

هم زمان با سقوط اصفهان

از مجموعه آستان قدس رضوی

یادداشت‌هایی راجع به حمله افغان به روستاهای خراسان

○ ابراهیم بلوکی

از دیگر مطالب جالب توجه در این نسخه خطی، آماری است که در ارتباط با یکی از کشتارهای انجام شده توسط افغان‌ها ثبت گردیده است. این آمار که به وسیله یک فرد محلی و احتمالاً برای ارائه به یک مقام بالا دست، تهیه شده، نام ده‌ها تن از مردم منطقه را به همراه سن تقریبی آنان در خود دارد. یکی از ویژگی‌های آمار مورد بحث آن است که نام هیچ زنی را بیان نکرده و از زنان با عباراتی همچون زوجه فلان، دختر فلان، عیال فلان، و در یک مورد نیز از «ضعیفه» به جای زن یاد نموده است.

اما یکی از وجوه غالب در گزارش‌های این کتابچه خطی، به کارگیری کلمات محترمانه متأثر از عقاید مذهبی می‌باشد. عباراتی مانند: درجه شهادت، درجه رفیعه شهادت، فایز شدن به درجه شهادت، مرحوم مغفور، مرحمت پناه، که در رابطه با افراد کشته شده در تهاجم افغانه به کار رفته است. همچنین از خداوند نیز در این متن با چنین عباراتی یاد شده: ارحم الراحمین، جناب اقدس الهی، الطاف خفیه اقدس الهی عز اسمه، همچنین است نام بردن از ائمه اطهار با واژه‌هایی چون: اسم مبارک علی بن ابی طالب، بحق محمد و علی و فاطمه و اولاد او. این در حالی است که مطالب این رساله در یک وضعیت اضطراری یا حداقل در شرایط غیرعادی نوشته شده و رعایت این حد از نزاکت نگارشی متأثر از اعتقادات جالب توجه می‌باشد.

از جنبه اقتصادی و به ویژه برای بررسی تاریخ اقتصادی ایران میانه قرن دوازدهم هجری نیز می‌توان رساله «یادداشت‌هایی راجع به حمله افغان...» را مورد کاوش و مذاکره قرار داد. با این پیش زمینه نیز نکات و مطالب متنوع و متعددی در این کتاب قابل دسترسی می‌باشد. از جمله: رواج زندگی مبتنی بر دامداری در منطقه مورد بحث (که در قالب غارتگری متعدد و فراگیر افغانه نسبت به احشام مردم منطقه ثبت گردیده)، فراوانی باغات میوه‌هایی همچون زردآلو... .

در این قسمت چند مورد برآورد پولی از میزان

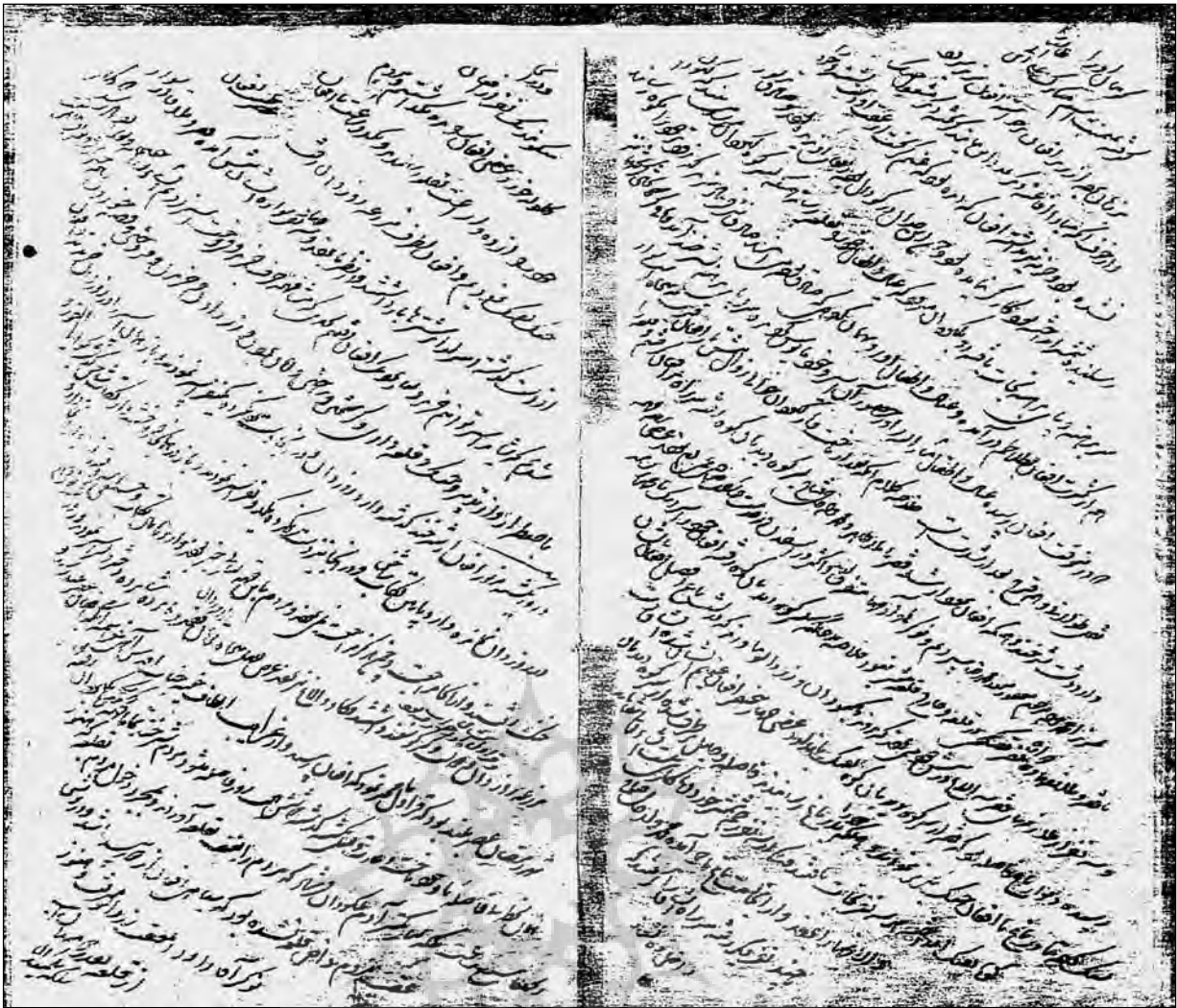
مانند حاجی، کربلایی، میر، و... همچنین به کار بردن شغل و حرفه به عنوان علامت مشخصه افراد در هنگام نام بردن آنان و از همه مشهودتر استعمال فراوان‌تر و رواج بیشتر نام‌های اسلامی نسبت به اسم‌های ایرانی، ترکی و امثال آن.

یکی دیگر از زمینه‌های جالب توجه و سودمند این نسخه خطی، بررسی و تحلیل نام‌های جغرافیایی ثبت و گزارش شده در آن می‌باشد. در این قسمت به ویژه پژوهشگران رشته تاریخ و جغرافیای تاریخی با مراجعه به این نام‌ها و مقایسه زمانی و مکانی و مفهومی آنها با ادوار و نواحی دیگر، به نتایج درخور توجهی خواهند رسید. نام‌هایی چون سرآب نورآباد، اسفدن، مزرعه ابوقیس، شرخند، دشت شرخند، قلعه رضا، قلعه واشان، مهنک، برداب، قریه امنی، دران سفلی، کوان، سرداب، کبودان، دیده بان کوه، روزدان، پائین تکاب شاخن، الغور، خنک، باغ ناچو، کتل رودان، ارده کول، قریه اسفاد، مزرعه جان احمد، قایین (قاین)، دارالحکومه فراه، شارخت، مزرعه ذرق و... در میان این نام‌ها می‌توان مواردی را دید که هنوز هم در نواحی جنوب خراسان کاربرد دارد (مانند اسفدن، قایین و...) بررسی زمینه‌های دوام این اسم‌ها، در مقابل حذف یا تغییر اساسی سایر اسامی، میزان و دلیل رواج واژه «قریه» به نسبت مترادفاتی چون آبادی، استعمال و دوام واژه «قلعه» حتی تا به امروز در بخش‌هایی از خراسان به عنوان معادلی برای دهکده و روستا؛ تداوم واژه‌های مزرعه، کوه و امثال آن در ادبیات فارسی به صورت رایج و متداول و غیره، به ویژه با تحلیل و ریشه‌یابی و مقایسه سرعت و تغییر و تحول واژه‌ها در حیطه زبان فارسی و در مقایسه با سایر زبان‌ها از زمینه‌های پژوهش در این بخش است.

در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد قدس رضوی در شهر مشهد، رساله‌ای کوچک و چند صفحه‌ای نگه‌داری می‌شود که علیرغم مختصر و ناقص بودن، در زمینه‌های مختلفی برای پژوهشگران اوضاع ایران قرن دوازدهم هجری قمری سودمند می‌باشد.

موضوع کلی این رساله، گزارش درگیری‌های پراکنده یا در حقیقت، انعکاس خبر و نتایج تهاجمات پراکنده افغان‌ها به بخشی از خراسان در سال‌های پایانی حکومت صفویان می‌باشد. آن گونه که از نام‌های جغرافیایی ذکر شده در متن استنباط می‌شود، منطقه مورد بحث در نواحی جنوبی خراسان کنونی قرار داشته است.

همان طور که اشاره شد رساله مورد بحث مختصر و نیز ناقص می‌باشد. چرا که صرفاً با هدف ثبت گزارش چند مورد از تهاجمات افغانه نگاشته شده است. با این حال همین گزارش، از جنبه‌های مختلف و در زمینه‌های پژوهشی گوناگون می‌تواند سودمند باشد. برای مثال اسامی و نوع ترکیب آنها، آن طور که در این رساله ثبت گردیده، در پژوهش‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، و حتی در بررسی تأثیر و میزان نفوذ فرهنگ دینی در نام‌گذاری افراد، به پژوهشگران کمک خواهد کرد. اسم‌هایی همچون: جعفر ملاولی طالب، حاجی فتاح... با بررسی و تحلیل این اسامی نکات جالب توجهی را می‌توان استخراج و در پژوهش‌های کاربردی رشته‌های مختلف به کار برد. نکاتی همچون ترکیبی بودن اسم‌ها و ریشه یابی اجتماعی و فرهنگی آن؛ شناخته شدن افراد با نام پدر که تا پیش از آغاز دوره پهلوی در ایران مرسوم بود؛ استفاده فراوان از القاب مبتنی بر باورهای دینی و مذهبی



دو صفحه نمونه از نسخه خطی کتاب

موضوع کلی این رساله، گزارش درگیری‌های پراکنده یا در حقیقت، انعکاس خبر و نتایج تهاجمات پراکنده افغان‌ها به بخشی از خراسان در سال‌های پایانی حکومت صفویان می‌باشد. آن گونه که از نام‌های جغرافیایی ذکر شده در متن استنباط می‌شود، منطقه مورد بحث در نواحی جنوبی خراسان کنونی قرار داشته است

خسارت‌های به عمل آمده از تهاجمات افغان‌ها ثبت شده که بررسی مقادیر عددی و واحد پولی دوره مورد بحث و مقایسه آن موارد با دوره‌های دیگر نیز در حیطه تاریخ اقتصادی سودمند خواهد بود.

نوع پوشش مردم، و مسایل مرتبط با آن هم (هرچند کمتر از سایر موارد) از مطالب این رساله خطی قابل دریافت است، از طریق واژه‌هایی همچون: کلاه، کرمان (نوعی شال)، زیر جامه و غیره. در همین محدوده به کار بردن ترکیب «سر و پا برهنه» برای بیان شدت اضطراب افراد به هنگام فرار از برابر دشمنان، میزان اهمیت پوشیده داشتن سر را در فرهنگ ایرانی منعکس می‌کند که حتی تا چند ده سال قبل نیز مراعات می‌شده است.

به دلیل ماهیت گزارش‌های این کتابچه واژه‌های فراوانی را در قلمرو امور نظامی دوره مورد بحث می‌توان از این رساله استخراج نمود. شمشیر، تفنگ، تفنگچی، اسب، الاغ، قلعه، فوج، محاصره، قراول، کمین‌گاه، اسیر، سواره، تسخیر، اسب انداختن، کشتی گرفتن، مشت و کرمان (دست به شال شدن)، جنگ تفنگ، تفنگ انداختن (تیراندازی)،

طرف آسمان پاشیده می‌شده و طبعاً گرد و غبار حاصل از این کار، تا فاصله‌های نسبتاً دور قابل مشاهده بوده است. این عمل به عنوان نوعی مخابره خبر در دوره و منطقه مورد بحث کار برد داشته است. تقسیمات و واحدهای زمانی رایج در دهه‌های نخست قرن دوازدهم هجری را نیز می‌توان از نسخه خطی مورد بحث شناخت، که علاوه بر تقسیمات شناخته شده زمانی مواردی چون عصربلند، وقت چاشت، شهر [ماه]، اول طلوع آفتاب، یک ساعت بعد از ظهر، دو سه ساعت از شب گذشته قابل توجهند.

گلوله خوردن، دست بستن، شمشیر انداختن، کارگر نیفتادن شمشیر، قلعه به کسی سپردن و... نمونه واژه‌ها و ترکیباتی است که برای بیان مسایل نظامی، در این نسخه خطی به کار رفته است. نکته جالب اینکه در این گزارش‌ها ایرانیان غالباً مسلح به تفنگ و افغانه مسلح به شمشیر و شتر و اسب ذکر گردیده‌اند.

در همین مبحث امور نظامی، یکی از راه‌های انتقال خبر در قرن دوازدهم هجری را می‌توان دریافت که برای انجام آن در نقاط مرتفع خاک به



شاه سلطان حسین سوار بر اسب. عکس از سفرنامه گملی کارری ایتالیایی ۱۶۹۴/م/۱۱۰۶ هـ



صفحات پایانی نسخه خطی کتاب

ناخوانده را از منطقه خود بیرون می‌کنند. سپس افغانه به قلعه طاغان پناه می‌برند و اعراب خزیمه حدود بیست هزار رأس گوسفند و چندین رأس اسب و شتر را که افغان‌ها در حملات خود از نواحی مختلف منطقه غارت کرده بودند، به نفع خود مصادره می‌نمایند. این نکته را بویژه می‌توان از این منظر مورد توجه قرارداد که یک نیروی منسجم و پراکنگیزه بومی به خوبی از عهده مهاجمین برآمده‌اند ولی حکومت مرکزی که با شناخت این توانمندی می‌توانسته از آن بهره‌برداری اصلی به این موضوع توجه و شناختی نداشته است.

صفحه پایانی این نسخه خطی پس از دو صفحه سفید قرار گرفته و در آن چند جدول و مطلب در مورد طالع بینی و مسایل مرتبط با آن ثبت شده در حالی که مشخص نیست که این صفحه نیز کار نگارنده اصلی بوده یا اینکه بعدها به آن افزوده شده است.

در پایان شایان ذکر است که این دست‌نویس کوچک و مختصر قابلیت استفاده در زمینه‌های مختلف پژوهشی را داراست و از همین رو تصحیح و انتشار آن گامی در جهت پیشبرد تحقیقات مختلف و به ویژه پژوهش‌های تاریخی به شمار می‌رود.

حرکت درآمدن، از اتفاق، عدد گرفتن [کمک گرفتن].

در همین مبحث ادبیات می‌توان یک نمونه حذف فعل را نیز بیان کرد که روشن نیست نگارش متداول آن دوره بوده و یا به دلیل شتاب و عجله نگارنده رخ داده است: «از خواب بیدار [شده] و می‌بیند...».

علاوه بر آنچه ذکر شد، مطالب این رساله کوچک از جنبه استنتاجات محتوایی نیز می‌تواند کمک‌های متعددی در پژوهش‌های گوناگون برای محققان ارائه نماید که از آن میان ذکر یک نمونه خالی از لطف نخواهد بود و آن هم ثبت و ضبط یک گزارش فرعی و حاشیه‌ای درباره پیروزی مردم محلی در برابر افغان‌ها می‌باشد. این تنها مورد پیروزی ایرانیان در برابر چندین مورد غلبه و تفوق افغانه، بسیار ناچیز و مطمئناً در آن زمان بی‌فایده بوده، اما امروزه همین تک نقطه پیروزی، از نظر تاریخی بسیار جالب و در خور تحلیل و توجه می‌باشد. براساس این گزارش در ذی‌قعدة ۱۱۳۶ هجری قمری هارون حاکم فراه با ششصد نفر افغان برای فرار از ویا و طاعون به منطقه سکونت قبیله عرب خزیمه می‌رود. اما قبیله مذکور این مهمانان

لبته در همین مبحث، مسئله ذکر تقریبی اعداد هم شایان توجه است: دو سه ساعت از شب، یک دو ساعت بعد، پانزده شانزده نفر، شش هفت روز فاصله، در عین حال این به آن معنا نیست که اعداد و ارقام در همه موارد مبهم است چرا که عددهای روشن و مشخص مانند صد، دویست، هزار و غیر آن نیز در جای جای متن قابل مشاهده می‌باشد.

یکی دیگر از موارد شایان توجه در این نسخه خطی، کاربرد واژه‌ها، عبارات و افعالی است که در دوران یاد شده رواج داشته ولی امروزه کمتر کاربرد دارد. در رابطه با این موضوع، در گزارش‌های این رساله، به موازات ده‌ها کلمه و فعل که تا به امروز بدون تغییر، استعمال می‌شود؛ افعالی را نیز می‌توان تفکیک کرد که یا تا به حال منسوخ شده و یا مهجور گردیده و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. از میان این گونه افعال می‌توان نمونه‌های زیر را برشمرد: به جلدی رفتن، مشافهته حرف خرید و فروش زدن، موازی [حدود]، غرابت عظیم دارد، گریز، گریختن، از عقب دویدن [تعقیب]، راست قد شدن [ایستادن یا برخاستن]، گریز و تعاقب، گرفتار قید بلا شدن، مردی نمودن [شجاعت]، اراده اینکه بگیرد [به قصد گرفتن...]. از کثرت افغان محل به